

## تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی

| مقرر    | حجت الاسلام قادر بریسم                   | جلسه | تاریخ | ۱۴۰۴ / ۰۷ / ۰۱ |
|---------|------------------------------------------|------|-------|----------------|
| عنوان ۱ | تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم         |      |       |                |
| عنوان ۲ | تفسیر سوره «حمد»                         |      |       |                |
| عنوان ۳ | تفسیر آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»      |      |       |                |
| عنوان ۴ | تأملی در معنای «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» |      |       |                |
| عنوان ۵ | وجوه اشتراک «یوم الدین» با ایام دنیوی    |      |       |                |
| عنوان ۶ | مفهوم شناسی «دین»                        |      |       |                |

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

### چکیده

این جلسه به تفسیر آیه شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اختصاص دارد و بر سه محور اصلی متمرکز است:

- ❖ ۱. مفهوم «مالک»: برخلاف «مَلِک» (پادشاه) که قدرتش مقید است؛ «مالک» به معنای صاحب اختیار مطلق است. در روز قیامت، خداوند تنها قدرتی است که بدون هیچ قید و شرطی، هرکس را بخواهد، به هر شکل که بخواهد، می بخشد یا کیفر می دهد. این مالکیت مطلق، منحصر به ذات الهی است.
- ❖ ۲. مفهوم «یوم»: «یوم» به یک مقطع زمانی مشخص اشاره دارد که دارای ویژگی هایی همچون نورانیت (با نور پروردگار) و فعل و انفعالات (فرآیند حسابرسی) است. این روز، زمانی است که خداوند خود را برای رسیدگی به حساب مخلوقات فارغ می سازد: «سَتَفَرِّغُ لَكُمُ آيَةَ الثَّقَلَانِ».
- ❖ ۳. مفهوم «دین»: برای واژه «دین» معانی گوناگونی چون حساب، پاداش و کیفر، و طاعت ذکر شده است. با این حال، به نظر می رسد معنای محوری و اصلی آن «حکم و قضاوت» (یوم الفصل) است؛ زیرا در آن روز، حق از باطل جدا می شود و سایر معانی (حساب، جزا و لزوم اطاعت) از لوازم و نتایج این حکم و داوری الهی هستند.

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

### تأملی در معنای «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

بحث در آیه شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» در جریان بود. بیان کردیم که شاید یکی از نکات مورد نظر در تعبیر «مالک» در این آیه، یا معنایی که این آیه متضمن آن است، این باشد که صاحب اختیار مطلق این روز، خدای متعال است. «مالک»

به معنای صاحب اختیار مطلق است و از مفهوم «مَلِک» نیز فراتر می رود؛ زیرا «مَلِک» گرچه به معنای صاحب اختیار به کار می رود، اما معمولاً به معنای صاحب اختیار مقید به قیود است نه مطلق؛ درحالی که «مالک» به معنای صاحب اختیار مطلق است که هیچ قیدی دست او را نمی بندد. «مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» بدین معناست که اختیار کامل در آن روز، در دست خدای متعال است و این معنا را در آیات و خصوصاً در ادعیه نیز مشاهده می کنیم.

در برخی آیات قرآن کریم، آنگاه که از مُلِک خدا سخن به میان می آید، مانند: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» یا «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»، همراه با اثبات مُلک برای خداوند آمده و فرموده است: «يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ»<sup>۱</sup>. این مُلک الهی از قبیل مُلک های عادی نیست؛ بلکه مُلکی است که «يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ»؛ هیچ قیدی او را محدود نمی کند؛ لذا می تواند هرکه را بخواهد، ببخشد و هرکس را بخواهد، مجازات و کیفر دهد. این، خصوصیت خاص خدای متعال است.

در بحث های فقه سیاسی نیز اشاره کرده ایم که این ویژگی، جز برای ذات اقدس حق متعال، وجود ندارد که «یغفر لمن یشاء» و «یُعَذِّبُ مَنْ یشاء» باشد. البته گفته ایم که بخشش و کیفر دادن، از خصوصیات حاکم است؛ یعنی اگر کسی حق حکم دارد، از لوازم جدایی ناپذیر حق حکمرانی اش این است که می تواند کیفر کند؛ وگرنه هرکسی، حق کیفر ندارد، حتی اگر شخصی مستحق کیفر باشد. برای مثال، اگر در خیابان ببینیم کسی خلافی مرتکب شده، ما حق کیفر او را نداریم و حتی یک فرد عادل، اگر حاکم نباشد هم نمی تواند کیفر کند، هرچند عالم به احکام شرعی باشد. این شخص تا اختیار حاکمیت را در دست نداشته باشد، نمی تواند کیفر کند؛ چون کیفر کردن مختص حاکم است؛ هرچند که شخص مورد کیفر، مستحق آن باشد.

اما خدای متعال ویژگی منحصر به فردی دارد که «من یشاء» است. بلکه در دعای ابوحزمه ثمالی این معنا گشوده شده است که می فرماید: «وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ»؛ یعنی متعلق این مشیت مطلقه، تنها «من تشاء» نیست؛ بلکه حتی «بما تشاء» و «کیف تشاء» هم هست؛ «تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ». این از ویژگی های خاص ذات باری تعالی است که:

۱. هرکس را بخواهد، کیفر می کند؛

۲. به آنچه می خواهد، کیفر می کند؛

۳. به هر نحو که بخواهد، کیفر می کند.

### وجوه اشتراک «یوم الدین» با ایام دنیوی

در اینجا گفته شده «مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ»، یعنی صاحب اختیار این روز است و این اختیار به گونه ای است که هرکه را بخواهد، به هر نحو که بخواهد، می تواند کیفر کند یا پاداش دهد. «یوم الدین» به یک قطعه محدود زمانی اشاره دارد که به امری خاص، اختصاص یافته است. نیز گفته شد که روز قیامت، یک قطعه زمانی مشخص است که با ایام دنیوی اشتراکاتی دارد؛ از جمله اینکه:

➤ روشنایی: آن روز، روشن است و ضیاء در آن هست؛ و این از آیات و روایات، استفاده می شود؛ مانند:

۱. سوره آل عمران: ۱۲۹؛ سوره مائده: ۱۸؛ سوره فتح: ۱۴.

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ...﴾<sup>۱</sup>

روشن است که پیش از اشراق، یک دوران ظلمت مطلق، حاکم است؛ لذا پیش از آن می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

هنگامی که نفخ صور می‌شود، موت مطلق بر همه جا حاکم است و موت مطلق نیز با ظلمت مطلق، ملازم است؛ اما بعد از این ظلمت، «فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ» و سپس «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ» آمده است. پس یک وجه مشترک «یوم الدین» با ایام دنیوی، اشراق است؛ با این تفاوت که با آنکه اشراق می‌تواند با وسایل مختلف تحقق یابد؛ ولی در آنجا به نور رب است. پرسشگر: با نور امام نیست؟

معظم‌له: نور امام همان نور رب است. ممکن است نور رب با وسایل مختلف، در آنجا جلوه کند؛ ولی در هر صورت، نور است.

➤ حرکت و فعل و انفعال: آن روز، روز قیامت، روز حرکت، فعل و انفعال و کار است و البته کسی که در آنجا کار

می‌کند، فقط خدای متعال و دستگاه الهی است که «فَعَّالٌ لَمَّا يُشَاءُ» است.

به لحاظ همین خصوصیات، کاربرد واژه «یوم» برای قیامت، به جاست. بحث ما درباره «دین» است.

پرسشگر: ...

معظم‌له: ما در اصول، بحثی مربوط به مراتب معانی تشکیکی داریم؛ بدین معنا که گاهی یک معنا مراتبی دارد. خداوند، استاد شهید ما، مرحوم آیت الله صدر را رحمت کند که می‌فرمود: «تفسیر القرآن، تفسیر المعنی لا تفسیر اللفظ». خود لفظ قرآن و معنا کردن لفظش تفسیر نیست؛ چون ظاهر است؛ اما تفسیر به معنای کشف معنای مستور است. ما هم کمابیش این را در عرایضمان آورده‌ایم؛ چون فرمایشی متین است. قرآن معنایی دارد که همه آن را می‌فهمند؛ ولی خود این معنا، معنایی در بطن خود دارد و به تعبیری دیگر، لایه‌ای از معنا در آن نهفته است و کشف آن لایه پنهان، تفسیر است. ممکن است آن لایه پنهان نیز، خود لایه پنهان دیگری داشته باشد. روایات مربوط به بطون قرآن یا بطون معانی قرآنی، ناظر به این حقیقت است که «لِلْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ»؛ که ظهرش معنای ظاهر آن را شامل می‌شود و بطنش، معنایی است که زیر معنای ظاهر، نهفته و فهم آن لایه زیرین و لایه‌های زیرین‌تر، حقیقت تفسیر است. البته تفسیر هم قانون دارد و هر کس نمی‌تواند از نزد خود، معنایی را که برداشت می‌کند، معنای تفسیری و لایه زیرین قرآن بداند؛ لذا کلمه «برداشت» در مورد قرآن، درست نیست؛ چون به دست ما نیست تا چیزی را از قرآن، برداشت کنیم. تفسیر، قانون مدار است و هر لایه‌ای از معنا، طبق یک قانون، لایه معنای نخست است و هر لایه‌ای هم طبق قانونی، لایه معنای بالاتر از خود به شمار می‌رود.

بنابراین، در «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ»، «مالک» به معنای صاحب اختیار مطلق است و «یوم» به معنای قطعه محدود زمانی است؛ اما مهم، این است که این قطعه محدود زمانی به چه کاری اختصاص داده شده است. آن کار، «دین» است. به عبارت دیگر، «یوم» یک قطعه زمانی است که فعل و انفعالی در آن انجام می‌گیرد و مهم‌ترین فعلی که این «یوم» بدان اختصاص یافته، فعل «دین» است که معنای آن را توضیح می‌دهیم.

۱. سوره زمر: ۶۹.

۲. همان: ۶۸.

آیه سوره الرحمن، بسیار تکان دهنده است که می فرماید:

﴿سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ﴾<sup>۱</sup>

اگر کسی به خوبی در آن، دقت و تدبیر کند، بدنش به لرزه درمی آید. آیه می فرماید ما خود را فارغ می کنیم تا به شما برسیم؛ یعنی این وقت را مخصوص شما قرار می دهیم. «یوم الدین»، «یوم یفرغ الله فيه لمحاسنة الخلق و للحکم».

پرسشگر: در برخی روایات، ثقلان را قرآن و اهل بیت علیهم السلام معرفی کرده است.

معظم له: این باز هم از همان لایه های معنایی است وگرنه ظهورش همین است؛ چون بعد از آن فرموده: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ» که ظهورش در «معشر الجن و الانس» است؛ اما این لایه های معنایی هم وجود دارد؛ چون در آن روز، این ثقلان هستند که اختیار را به دست می گیرند. لذا این حرف، درست است؛ یعنی معانی موجود در روایات را باید جدی بگیریم. چنین نیست که اگر در روایات، معنایی برای آیه آمده که با ظاهرش تطابق چندانی ندارد، آن را یک معنای تأویلی بدانیم که «لا نفهمه و لا ندرکه»؛ چنان که بسیاری از مفسران با برخی روایات، چنین برخوردی کرده اند. اینها معانی جدیه ای است و اگر تدبیر کنیم، می توانیم راز این معنا یا بخشی از آن را کشف کنیم. در آیه مورد بحث، ثقلان اگر قرآن و عترت هم باشد، بدین معناست که ما در این روز، حق شما را می گیریم.

پرسشگر: ...

معظم له: در تعابیر عربی، به جن و انس هم ثقلان گفته می شود و دنیا برای همین ها آفریده شده است. در روایت می خوانیم: «لَضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»<sup>۲</sup>؛ یعنی از عبادت جن و انس. بلاشک، ثقلین در جن و انس به کار رفته است.

پرسشگر: ...

معظم له: این حکم در اینجا حکم «یوم الدین» و «یوم القيامة» است. البته خدای متعال در همه جا مالک است؛ اما در «یوم الدین»، این مالکیت به صورت خاص، برجسته شده است؛ چنان که فرموده: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>۳</sup>. علت اینکه مُلک در روز قیامت، برای خدا حصر شده، با اینکه خدا در همه جا و در غیر روز قیامت هم مُلک، محصور در اوست، این است که ظاهراً مُلک های دیگر، وجود ندارد. در عالم دنیا دیگران هم مُلک هایی دارند، هرچند عاریتی و تفویضی باشد. شخصی به مرحوم مقدس اردبیلی، مراجعه کرد و درخواستی داشت. مرحوم مقدس نیز به شاه عباس، نامه ای نوشت و در آن، او را «صاحب مُلک عاریتی، عباس» خطاب کرد. پس مُلک های دنیا عاریتی اند؛ اما در روز قیامت، مُلک های عاریتی هم از بین می روند و در کار نیستند؛ لذا یک مُلک حقیقی می ماند که آن هم مُلک خداست.

### مفهوم شناسی «دین»

«دین» در اینجا که «یفرغ الله للعمل فی یوم القيامة»، چیست؟ معانی مختلفی برای «دین» بیان شده که به اجمال به آنها اشاره می کنیم تا در جلسه آینده، آن ها را توضیح دهیم:

۱. سوره الرحمن: ۳۱.

۲. إقبال الأعمال؛ ج ۱، ص ۴۶۷.

۳. سوره غافر: ۱۶.

- حساب و کتاب (یوم الحساب)؛
- پاداش و کیفر (یوم الجزاء)؛
- حکم و قضاء بین خلق که در بسیاری از آیات کریمه قرآن هم بدین لحاظ، به «یوم الفصل» تعبیر شده؛ مانند آیه «هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ»<sup>۱</sup> یا «وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ»<sup>۲</sup> و «فصل» به معنای حکم است؛ چون به وسیله حکم، انجام می گیرد.
- طاعت.

به نظر می رسد معنای اصلی «دین» در اینجا، «حکم» و «فصل» است؛ زیرا در این روز، حق از باطل و درست از نادرست، جدا می شود؛ لذا سایر معانی (حساب و کتاب، جزاء و طاعت) همه از لوازم این حکم به شمار می روند؛ چون وقتی حکم داده می شود، باید از آن اطاعت شود. بحث تا اینجا متوقف می شود و ان شاء الله ادامه آن را در جلسه بعد، پی می گیریم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

مؤسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی

۱. سوره صافات: ۲۱؛ سوره مرسلات: ۳۸.

۲. سوره مرسلات: ۱۴.